

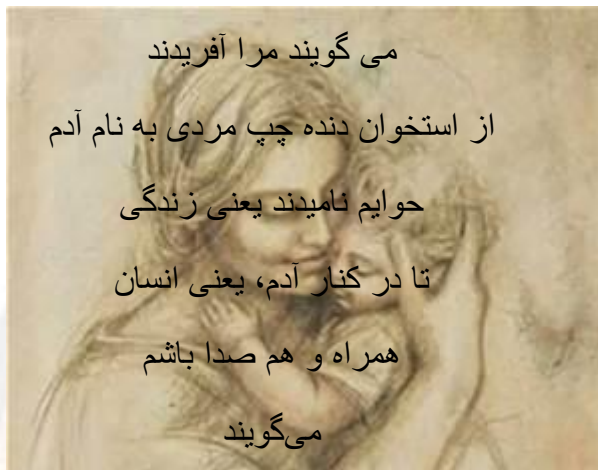


۲۰۱۶/۰۵/۰۹



لینا روزبه حیدری

سرود زن



میوه سیب را من خوردم
شاید هم گندم را
و مرا به نزول انسان از بهشت
محکوم می نمایند بعد از خوردن گندم
و یا شاید سیب



چشمان شان باز گردید
مرا دیدند
مرا در برگ ها پیچیدند
مرا پیچیدند در برگ ها
تا شاید راه نجاتی را از معصیتم
پیدا کنند
نسل انسان زاده منست

من، حوا

فریب خورده شیطان

و می گویند که درد و زجر انسان هم

زاده منست

زاده حوا

که آنان را از عرش عالی به دهر خاکی فرو افکند

شاید گناه من باشد

شاید هم از فرشته ای از نسل آتش

که صداقت و سادگی مرا

به بازی گرفت و فرییم داد

مثل همه که فرییم می دهند

اقرار می کنم

دلی پاک

معصومیتی از تبار فرشتگان



و باوری ساده تر و صاف تر از آب های شفاف جوشنده یک چشمه دارم

با گذشت قرن ها

باز هم آمدم

ابراهیم زاده من بود

و اسماعیل پرورده من

گاهی در وجود زنی از تبار فرعونیان که موسی را در دامنش پرورید

گاهی مریم عمران، مادر بکر پیامبری که مسیحش نامیدند

و گاه خدیجه، در رکاب مردی که محمدش خواندند

فاطمه من بودم

زلیخای عزیز مصر و دلباخته یوسف هم

من بودم
زن لوط و زن ابولهب و زن نوح
ملکه سبا
من بودم و
فاطمه زهرا هم من
گاه بهشت را زیر پایم نهادند و
گاه ناقص‌العقل و نیمی از مرد خطابم نمودند
گاه سنگبارانم نمودند و
گاه به نامم سوگند یاد کرده و در کنار تندیس مقدس

اشک ریختند
گاه زندانیم کردند و
گاه با آزادی حضورم جنگیدند و
گاه قربانی غرورم نمودند و
گاه بازیچه خواهشهایم کردند
اما حقیقت بودم را
و نقش عمیق‌کننده کاری شده هستی ام را
بر برگ برگ روزگار



هرگز

منکر نخواهند شد

من

مادر نسل انسانم

من

حوایم، زلیخایم، فاطمه‌ام، خدیجه‌ام، مریم

من

درست همانند رنگین کمان
رنگ‌هایی دارم روشن و تیره
و حوا مثل توست ای آدم
اختلاطی از خوب و بد
و خلقتی از خلاقیت که مرا
درست همزمان با تو آفرید



پس بیاموز تا سجده کنی
درست همانطور که فرشتگان در بهشت

بر من سجده کردند

بیاموز

که من

نه از پهلوی چپت

بلکه

استوار، رسا و هم‌تراز

با تو زاده شدم

بیاموز که من

مادر این دهرم و تو

مثل دیگران

زاده من!

(لینا روزبه حیدری)

